

## الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسین مسعودنیا<sup>۱</sup>، سعید قربانی<sup>۲</sup>

### چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ منشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردید، این رویداد تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. یکی از دست‌آوردهای انقلاب در منطقه و جهان، صدور انقلاب اسلامی است که در آن، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است و حتی صدور انقلاب به عنوان یک اصل و هدف در سیاست خارجی درآمده است، هر نظام انقلابی در بطن خود دارای یک سلسله آرمان‌ها و خواسته‌های عالی می‌باشد که برخاسته از نظریات رهبری انقلاب و یا انگیزه‌های ذاتی انقلاب است، انقلاب اسلامی ایران نیز پس از پیروزی، به دنبال کسب خواسته‌های آرمانی خود بود و اصل صدور انقلاب را در راستای توسعه و گسترش اهداف انقلاب به خارج مرزها، در پیش گرفت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی الگوهای مختلفی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد که دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با صدور انقلاب داشتند، در پژوهش زیر نویسنده در صدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی روند صدور انقلاب اسلامی ایران در گفتمان‌های مختلف را مورد بررسی قرار دهد.

**کلیدواژه‌ها:** صدور انقلاب، الگوها، گفتمان، اهداف و ابزارها.

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

### مقدمه

پدیده‌ی صدور انقلاب یکی از پیامدهای هر انقلاب بزرگ تاریخ معاصر بوده است و در انقلاب اسلامی ایران نیز پیروز و نمود آشکاری یافته است. از آن جا که انقلاب اولین بار از ذهن بشر فراموش می‌کند می‌توان صدور انقلاب را در مرحله نخست یک ایده یا فکر نامید که به مردم دیگر جوامع بشری عرضه می‌شود. اما انقلاب در ذهن محدود نمی‌شود بلکه برای رسیدن به اهداف خود ناگزیر از ظهور در صحنه‌ی اجتماع و تغییر و تحول وضع موجود است و این مهمترین وظیفه‌ی یک فرد انقلابی است که در این مرحله از چه شیوه و ابزاری برای دستیابی سریعتر و کم هزینه تر به اهداف و آرمان‌های انقلاب استفاده کند (نوزانی، ۱۳۸۸: ۶۰).

هر نظام انقلابی در بطن خود دارای یک سلسله آرمان‌ها و خواسته‌های عالی می‌باشد که برخاسته از نظریات رهبری انقلاب و یا انگیزه‌های ذاتی انقلاب است، انقلاب اسلامی ایران نیز پس از پیروزی، به دنبال کسب خواسته‌های آرمانی خود بود و اصل صدور انقلاب را در راستای توسعه و گسترش اهداف انقلاب به خارج مرزها، در پیش گرفت، بدون اینکه توجهی به نظام حاکم بر روابط بین‌الملل داشته باشد (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۵۱). فرآیندهای سیاست خارجی ایران همواره با نشانه‌هایی از تغییر و دگرگونی همراه بوده است، به طور کلی کشورهای که از پویایی‌های امنیتی برخوردارند، خواهند توانست گفتمان‌های سیاست خارجی خود را متحول سازند. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، بیش از سه دهه گذشته است، در این دوران می‌توان نشانه‌هایی از تحول، تغییر و دگرگونی در قالب‌های گفتمانی سیاست خارجی ایران را ملاحظه نمود (متفی، ۱۳۸۵: ۳۲).

اما سوالی که نگارنده در صدد است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به پاسخ آن دست یابد این که الگوهای صدور انقلاب در گفتمان های جمهوری اسلامی ایران به چه شکلی بوده و چه روندی را طی کرده است؟

### معنا و مفهوم صدور انقلاب

صدور انقلاب عبارت است سعی انقلابیون برای تبدیل پیام‌ها و رسالت بالقوه انقلاب، به حالت بالفعل. یعنی، انقلابیون می‌خواهند روح کلی مضامین انقلاب را که در حال حاضر در کشورشان تجسم یافته است، به حرکت درآورند و پیام‌ها و اهداف خود را در دیگر کشورها علنی کنند (خلیلی و حمیدی، ۱۳۹۰: ۹۳).

امام خمینی (ره) در رابطه با معنای صدور انقلاب می‌فرماید:

معنی صدور انقلاب ما این است که همه ی ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که

هستند و از این که همه ی مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند نجات بدهد (امام خمینی، جلد ۱۳: ۲۰۲).  
 انقلابیون، انقلاب را مانند موجودی زنده می‌دانند که آفریده شده و رشد یافته و سپس وارد محیط جدیدی شده است و با استفاده از منابع محیط‌های دیگر، حفظ بقا می‌نماید. انقلابیون معتقدند که محصور ماندن انقلاب، نه تنها مانع رشد انقلاب می‌شود، بلکه به علت کمبود منابع، دچار استحاله شده و فرو می‌ریزد. انقلابیون به امید بقای انقلاب، صدور انقلاب را در دستور کار خود قرار می‌دهند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۲۶).  
 صدور انقلاب به چهار معنا به کار می‌رود که الزامات نظری و رفتاری خاصی را ایجاب می‌کند این چهار معنا عبارتند از:

#### **الف) مفهوم آگاهی بخشی صدور انقلاب**

معنای آگاهی بخشی از صدور انقلاب اسلامی بر این فرض استوار است که شرایط نامناسب و نابسامان ملل اسلامی و مستضعف ناشی از عدم آگاهی و خودباوری آمان است، از این رو یکی از مهمترین رسالت‌های جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، آگاه ساختن توده‌های مسلمان و مستضعف جهان از این وضعیت ناعادلانه، ظالمانه و استضعاف ناخودآگاه می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۶۱).

#### **ب) رهایی بخشی**

رهایی بخشی و آزادسازی ملل مسلمان و مستضعف از استبداد و استکبار و ساختارهای سلطه و سرکوب و روابط ناعادلانه قدرت در جامعه داخلی و نظام بین‌الملل دومین معنا و مفهوم از صدور انقلاب است. بر اساس این تعریف از صدور انقلاب، آگاهی بخشی توده‌های محروم و مستضعف در جهان، به ویژه جهان اسلام، جهت خودآگاهی و خودباوری امری لازم است؛ ولی به تنهایی کفایت نمی‌کند. از این رو، رهایی ملت‌های دیگر از قید و بندهای استبداد داخلی و استعمار و استکبار جهانی، علاوه بر آگاهی بخشی، مستلزم بسیج و قیام آنان می‌باشد. با توجه به این که انقلاب اسلامی ایران، موجبات آزادی و رهایی ملت ایران را از استبداد داخلی و استکبار جهانی فراهم ساخت، یکی از رسالت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز زمینه‌سازی برای آزادی و رهایی سایر ملت‌های مسلمان و مستضعف است.

### ج) انقلاب مستمر

سومین تعریف و تلقی رایج از صدور انقلاب اسلامی، به ویژه نزد نویسندگان و تحلیل گران غیرایرانی، انقلاب مستمر، به معنای ایجاد انقلاب‌های اسلامی پیاپی در سایر جوامع اسلامی و مستضعف می‌باشد.

### د) تبیین و ترویج انقلاب: صدور فرهنگ

تبیین و ترویج و معرفی آرمان‌ها، ارزش‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی به صورت صدور فرهنگی، چهارمین معنا و مفهوم از صدور انقلاب اسلامی است. در این تعریف، صدور انقلاب به معنای تشریح و ترویج اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی به مردمان و ملل مشتاق است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۹) در ذیل روند صدور انقلاب در هریک گفتمان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد که به شرح زیر است:

### صدور انقلاب در گفتمان‌ها

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ منشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردید، این رویداد تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. یکی از دست آوردهای انقلاب در منطقه و جهان، صدور انقلاب اسلامی است که در آن، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است و حتی صدور انقلاب به عنوان یک اصل و هدف در سیاست خارجی درآمده است، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی الگوهای مختلفی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد که دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با صدور انقلاب داشتند، در حالی که در دهه‌ی اول، ضمن مخالفت عده‌ای با صدور انقلاب، گفتمانی آرمان‌گرا و ارزش محور بر سیاست خارجی حاکم بود و به صدور انقلاب به هر طریقی تأکید داشت. بعد از جنگ هشت ساله، رویکردی درون نگر و واقع‌گرا در سیاست خارجی حاکم شد که بیشتر به دنبال ارائه‌ی مدلی نمونه از انقلاب اسلامی بود تا دیگران بتوانند از آن الگو برداری کنند. لازم به ذکر است که الگوی صدور مسالمت آمیز انقلاب در تمامی گفتمان‌های سیاست خارجی بر الگوی صدور قهرآمیز غلبه داشته است (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۵۹).

صدور انقلاب اسلامی در گفتمان‌های انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند که به شرح زیر می‌باشند:

### صدور انقلاب در گفتمان واقع‌گرای

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، جوهره‌ی سیاست خارجی ایران را تغییر داد، ایران با اتخاذ سیاست «نه شرقی و نه غربی» و نفی اتحاد با بلوک‌های شرق و غرب، راهبرد «عدم تعهد» را به عنوان جهت‌گیری سازگار با تجربه‌ی تاریخی بافت فرهنگی ایران در پیش گرفت و با خروج از «سازمان پیمان مرکزی یا سنتو» و پیوستن به جنبش عدم تعهد و لغو بسیاری از سفارش‌های خرید اسلحه از غرب، سیاستی مستقل از قدرت‌های بزرگ را بر اساس «دوری‌گزینی همسان» اتخاذ نمود. (مسعودی، ۱۳۸۹: ۵۶) انقلاب اسلامی ایران انعکاس زیادی در فراسوی مرزها داشت و به لحاظ هوادارانی که جلب نموده، به عنوان یک نیروی قابل محاسبه توسط قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های منطقه عنوان گردید، این انقلاب در اعتماد به نفس کلیه‌ی مسلمانان، اعم از شیعه و سنی و بدون توجه به ملیت آنها نقش بسزایی داشت. (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، فضا برای ترویج و گسترش تعالیم اسلامی بیش از پیش فراهم گردید، در چنین شرایطی امام خمینی، با مطرح کردن ایده‌ی صدور انقلاب و نهضت مستضعفین علیه مستکبرین، رسالت جهانی انقلاب اسلامی را به گوش تمام قدرت‌های بزرگ رسانده و آن‌ها را به تعدی در مقابل آن دعوت نمود (مجرد، ۱۳۸۶: ۹۰) ایشان در بیان فلسفه‌ی طرح چنین ایده‌ای می‌فرمایند:

ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی‌ای که تا به حال به واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می‌شده است را شکسته‌ایم. ما خود چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم. از هر عادل‌ی دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم، حال شما اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید. ما این سنگ را بنا خواهیم گذاشت. امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمانها و شوراها را بر این پایه بنا کنند، نه بر پایه نفوذ سرمایه داران و قدرتمندان که هر موقعی که خواستند هرکسی را محکوم کنند، بلافاصله محکوم نمایند. (صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، ص ۱۶۰)

در دوره‌ی ۹ ماهه دولت موقت، بین انقلابیون اسلام‌گرا و لیبرال در مورد ضرورت و لزوم اصل و سیاست صدور انقلاب اسلامی اختلاف نظر بروز کرد، اسلام‌گرایان یا نیروهای مکتبی و مذهبی که غالباً در چارچوب حزب جمهوری اسلامی فعالیت می‌کردند به شدت بر لزوم صدور انقلاب اسلامی به جوامع متجانس اسلامی و حتی غیرمتجانس و غیرمسلمان تأکید می‌کردند. گروهی از آنان حتی قائل به صدور انقلاب به هر وسیله‌ی ممکن بودند.

چون اسلام‌گرایان بر اساس گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی اولاً انقلاب اسلامی را یک انقلاب فراملی می‌پنداشتند که اهداف و آرمان‌هایی فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران دارد، این اهداف فراملی معطوف به تغییر و تحول در جوامع اسلامی و غیراسلامی است.

ولی ملی‌گرایان حاکم بر دولت موقت، برعکس اسلام‌گرایان، اعتقادی به لزوم و تکلیف صدور انقلاب اسلامی به سایر جوامع و ملت‌ها نداشتند، آنان مخالف ایده و سیاست صدور انقلاب اسلامی بودند به چند دلیل که عبارتند از:

اولاً، بر مبنای گفتمان ملی‌گرایی لیبرال غالب و حاکم بر سیاست خارجی دولت موقت، انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب کاملاً ملی و ایرانی است، انقلاب ملی، بر خلاف انقلاب فراملی، آرمان‌ها و اهدافی در محدوده سرزمینی و جغرافیایی ایران دارد، از این رو، به لحاظ ماهوی انقلاب اسلامی ایران فاقد اهدافی است که معطوف به تغییر و تحول ساختاری و هنجاری در سایر جوامع می‌باشد. از منظر ملی‌گرایان لیبرال، قیام ملی و انقلاب اسلامی صرفاً ندای مظلومانه یک ملت ستم کشیده از استبداد هزاران ساله و فریاد حق طلبانه‌ای بود برای رسیدن به حقوق مشروع انسانی یعنی آزادی و استقلال.

دومین دلیل عدم اعتقاد ملی‌گرایان لیبرال به ایده و سیاست صدور انقلاب این بود که به نظر آنان، جمهوری اسلامی ایران یک دولت - ملت متعارف و ملی است، به طوری که این دولت نیز مانند سایر دولت‌ها بر پایه ایدئولوژی ناسیونالیسم و سکولاریزم استوار است، از این رو، بر اساس جدایی نهاد دین از نهاد دولت و اصالت ایران و ایرانیت، جمهوری اسلامی ایران فاقد تکالیف و مسئولیت‌های فراملی از جمله صدور انقلاب اسلامی است، مهمترین وظیفه و هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت ملی تعقیب و تأمین منافع ملی ایران است که ملت ایران از آن منتفع می‌شوند.

سومین دلیل اینکه، رهبران دولت موقت هم چنین به خاطر آن که صدور انقلاب را در تعارض با حقوق بین‌الملل و مقررات و موازین بین‌المللی می‌دانستند با آن مخالف می‌کردند. آنان صدور انقلاب اسلامی را مصداق بارز و آشکار مداخله در امور داخلی سایر کشورها تلقی می‌کردند که صراحتاً در حقوق بین‌المللی منع شده است، افزون بر این آنان استدلال می‌کردند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مداخله در امور داخلی کشورها را مجاز نمی‌شمارد.

دولت موقت که دولتی لیبرال و ملی‌گرا بود، بیشتر بر جامعه‌ی داخلی تأکید داشت، در واقع، ملی‌گراها معتقد بودند که ارزش‌های انقلاب تنها در چارچوب مرزهای ملی

قابل قبول است و نسبت به پیرامون و خارج موضعی خنثی داشتند و جهانشمول انقلاب را نادیده می‌گرفتند. دولت موقت با صدور انقلاب و حمایت از جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام مخالف بود و از حفظ وضع موجود حمایت می‌کرد. (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۷۴). برای یافتن عملکرد دقیق دولت موقت بازرگان در امر صدور انقلاب بهترین مرجع، گفته‌های ابراهیم یزدی، وزیر خارجه، می‌باشد که صراحتاً با تأکید اعلام می‌دارد، اهداف دولت موقت با مسئله صدور انقلاب منافات دارد؛ زیرا این دولت بارها پایبندی خود به اصول و ضوابط بین‌المللی را اعلام داشته است و قصد اخلال و شورش در هیچ کشوری را ندارد:

در تمامی پاسخ‌هایی که به سوال صدور انقلاب داده شده است ما روی این نکته دائم تکیه می‌کردیم که دولت ایران، قصد صدور انقلاب ندارد. این امر در روابط خارجی اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. صدور انقلاب از مقوله دخالت دولت‌ها در امور داخلی کشورهای دیگر می‌باشد؛ اصلی که در سطح جهانیمورد شناسایی و قبول قرار گرفته است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح گردیده است. هیچ دولتی حتی دولت‌های که عملاً واقعا در امور داخلی سایر کشورها دخالت کرده و می‌کنند، هرگز رسماً و صریحاً با این دخالت‌ها اقرار و اعتراف و اعلام نمی‌نمایند بلکه زیر پوشش‌های گوناگون و ظاهراً موجه انجام می‌دهند. یکی از مبانی سیاست خارجی دولت موقت، قبول اصل عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها بوده است. بنابراین تأکید مکرر ما بر این که دولت ایران قصد صدور انقلاب را ندارد، در واقع انعکاس این اعتقاد بوده است. (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۲۱۲)

در گفتمان دولت موقت آن چه مقدم و اهمیت داشت حفظ ایران و مرزهای کشور بود و الگوی صدور انقلاب آن در چارچوب سیاست گام به گام و تدریجی قرار داشت، اینان اساساً به الگوی مفهوم صدور انقلاب از دیدگاه انقلابیون اعتقادی نداشتند. (اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۳۶)

بازرگان درباره‌ی صدور انقلاب می‌گوید:

کلمه‌ی صدور انقلاب یک کلمه‌ی تجارتمی است. در واقع خواسته‌اند انقلاب را هم مثل یک کالایی در نظر بگیرند که آن کالا را مالک آن یا سازنده و فروشنده‌اش، به خارج کشور خود صادر می‌کند: به قول شاعر که می‌گوید مشک آن است که خود بیوید نه آن که عطار بگوید و اگر بگوید، توی سرش زده است، بنابراین انقلاب ما هم احتیاج به این ندارد که عطار داد بزند و یقیه‌ی مردم را بگیرد و بگوید بیاید و ببینید مشک دارم (اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

به صورت کلی سیاست گفتمان ملی‌گرا این بود که، تنها باید در قبال ملت ایران احساس مسئولیت کرد و تمام محورهای توسعه و رشد می‌بایست صرفاً منافع

ملت ایران را در بر گیرد و ایرانیت محور اصلی برای چنین رشدی تلقی می‌شد، آن‌ها معتقد بودند که تنها باید درصدد بهبود اوضاع و شرایط ملی و ارتقای سطح تکنولوژی برآمد و از ایجاد حساسیت‌های جهانی احتراز نمود، این گروه معتقد بودند ارزش‌های انقلاب تنها در چارچوب مرزهای ملی قابل قبول بوده و نباید نسبت به محیط پیرامون موضع تعرضی داشته باشد، لذا به طور کلی مخالف صدور انقلاب بوده و آن را عملی خلاف شئون بین‌المللی می‌پنداشتند. اعضای دولت موقت و یاران مهندس بازرگان در نهضت آزادی از این دسته بوده و مخالفت علنی و جدی خود را با موضوع صدور انقلاب، به هر شیوه‌ای اعلام می‌داشتند. دکتر یزدی وزیر خارجه دولت موقت صراحتاً اعلام می‌داشت: «ما قصد صادر کردن انقلاب خود را نداریم». (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۴).

### صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس

در دوران دفاع مقدس که با تجاوز آشکار رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد و تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ ادامه یافت، جنگ هشت ساله همه‌ی ابعاد و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داد. از این رو، صدور انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اصول و اهداف فراملی سیاست خارجی ایران را دستخوش تغییر و تحول ساخت، به طوری که الگوی صدور انقلاب اسلامی در این دوره، از دوران قبل و بعد از آن متمایز می‌گردد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۷۵).

در دوران دفاع مقدس دو الگوی گفتمانی بر سیاست خارجی و داخلی جمهوری اسلامی ایران حاکم بود که عبارتند از آرمان‌گرای امت محور و آرمان‌گرای مصلحت محور که در زیر هر یک از این خرده گفتمان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند: صدور انقلاب در خرده گفتمان آرمان‌گرایی امت محور  
عزل بنی صدر در ۲۹ خرداد سال ۱۳۶۰ نقطه‌ی عطفی در سیاست صدور انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، زیرا از این دوره به بعد به ویژه در دوره‌ی وزارت خارجه میر حسین موسوی در تیرماه ۱۳۶۰ که تا آذر ماه ۱۳۶۰ ادامه یافت، سیاست صدور انقلاب اسلامی به صورت رسمی در دستور سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، یعنی آن سیاستی که در دوره‌های پیشین در سطح غیررسمی پی‌گیری می‌شد رسماً توسط دولت تعقیب گردید. بنابراین، معنا و مفهوم صدور انقلاب در این دوره بر پایه‌ی آگاهی بخشی و رهایی بخشی تعریف و تعقیب می‌شود. معنای آگاهی بخشی از صدور انقلاب اسلامی بر این فرض استوار است که شرایط نامناسب



و نابسامان ملی اسلامی و مستضعف ناشی از عدم آگاهی و خودباوری آنان است. از این رو یکی از مهمترین رسالت‌های جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی آگاه ساختن توده‌های مسلمان و مستضعف جهان از این وضعیت ناعادلانه، ظالمانه و استضعاف ناخودآگاه می‌باشد.

آگاهی بخشی شرط لازم برای صدور انقلاب است ولی برای تحقق آن کافی نیست، به عبارت دقیق‌تر، آگاهی بخشی نخستین مرحله‌ی صدور انقلاب محسوب می‌شود که طی مراحل دیگری باید تکمیل گردد، از این رو، رهایی بخشی و آزادسازی ملل مسلمان و مستضعف از ساختارهای سلطه و سرکوب و روابط ناعادلانه قدرت در سطوح داخلی و بین‌المللی معنا و مفهوم دیگر صدور انقلاب در این دوره است، بر مبنای این تصور و تلقی از صدور انقلاب، برای رها ساختن ملت‌های دیگر از قید و بندهای استبداد داخلی و استعمار و استکبار جهانی، علاوه بر آگاهی‌بخشی، باید آنان را بسیج کرد و به حرکت واداشت، این معنا و مفهوم از صدور انقلاب اسلامی را می‌توان انقلاب مستمر خواند. زیرا انقلاب اسلامی ایران سرآغاز انقلاب‌های دیگر در جهان اسلام و استضعاف به شمار می‌رود (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۹۰).

پس از عزل بنی‌صدر، گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی به عنوان یکی از خرده‌گفتمان‌های ابرگفتمان اسلام‌گرایی، بر سیاست خارجی ایران غالب و حاکم شد که تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت، بر اساس این گفتمان، انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فراملی است که اهداف و آرمان‌های فراملی اسلامی دارد، این اهداف بر اهداف ملی و داخلی اولویت و ارجحیت دارند، این گفتمان، به آموزه انقلاب مستمر در مقابل انقلاب مستقر مبنی بر تثبیت و تحکیم انقلاب در داخل ایران اعتقاد دارد. لذا، به جای تحکیم دستاوردهای داخلی انقلاب اسلامی باید به تحقق آرمان‌ها و اهداف فراملی آن در فراسوی مرزهای جغرافیایی ایران همت گماشت، بنابراین، تکرار و استمرار انقلاب اسلامی در جوامع متجانس اسلامی و غیرمتجانس ساز طریق گسترش ایدئولوژی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی اولین و مهمترین مسئولیت و ارجحیت سیاست خارجی نظام سیاسی برآمده از آن است. در نتیجه، صدور انقلاب اسلامی به معنای اشاعه و ترویج حکومت اسلامی به وسیله حمایت از مسلمانان و مستضعفین در چارچوب پشتیبانی بی‌دریغ و هم‌جانبه از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش، مبارزه با استکبار و امپریالیسم حائز اهمیت و اولویت ویژه‌ای هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۹۸).

بنابراین، طبیعی است که پس از حاکمیت این گفتمان بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به جای گفتمان ملی‌گرایی لیبرال، که انقلاب اسلامی ایران را یک

انقلاب ملی تلقی می‌کرد و به صدور انقلاب قائل نبود، ایده و سیاست صدور انقلاب به صورت یک هدف و اصل در سیاست خارجی پی‌گیری شود. در این دیدگاه منافع ملی با منافع آرمانی یکسان فرض شده و اولویت در سیاست خارجی به منافع ایدئولوژیک آن هم از موضع خشن و سرکوبگرانه داده می‌شود، هر نوع پذیرش قوانین بین‌المللی مطرود بوده و تمامی سازمان‌ها، موسسات و قواعد بین‌المللی به کلی مطرود تلقی می‌شوند و درگیری دائمی تا نابودی کامل این سیستم ظالمانه و تحقق ارزش‌های انقلابی از طریق اعمال زور و قدرت مورد توجه این دسته می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۳: ۶۵).

این گفتمان با قرار دادن اسلام سیاسی و آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی، نظم مسلط جهانی را به چالش فرا خواند و مرزهای جغرافیایی را به مرزهای ایدئولوژیک تبدیل نمود و مرکز ثقل گفتمان امنیتی در این گفتمان، پاسداری از ارزش‌ها را نشان می‌داد و از منظر فراملی به امنیت نگریسته می‌شد و فاکتورهای امنیتی نظام، جایی فرا روی مرزها و در میان جامعه‌ی بزرگ معتقدین بنا نهاده شده بودند و لذا در این گفتمان مفاهیمی مانند دارالسلام در مقابل دارالحرب و بحث و صدور انقلاب، خودنمایی نمود که همین مسأله باعث شکل‌گیری واکنش‌هایی از جانب کشورهای ابرقدرت و منطقه مقابل جمهوری اسلامی ایران گردید (اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۳۴).

### صدور انقلاب در خرده گفتمان آرمان‌گرای مصلحت محور

در سال ۱۳۶۳ تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاصل شد و گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی یا به بیان دیگر، آرمان‌گرایی مرکز محور جایگزین گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی یا امت محور شد، این گفتمان رویکرد متفاوتی به انقلاب اسلامی و صدور آن داشت، به عبارت دیگر، معنا و مفهوم و الگوی صدور انقلاب اسلامی در گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی از آرمان‌گرایی اسلامی متفاوت بود، مصلحت‌گرایی اسلامی گرچه مانند آرمان‌گرایی انقلاب اسلامی ایران را فراملی و دارای اهداف و آرمان‌هایی فراملی می‌داند، اما به جای استراتژی انقلاب مستمر، به راهبرد تثبیت و تحکیم انقلاب اسلامی در جامعه‌ی داخلی ایران در چارچوب انقلاب مستقر اعتقاد داشت، اگرچه بر اساس جهان‌شمولی اسلام، صدور انقلاب از طریق حمایت از مسلمانان و مستضعفان، پشتیبانی از نهضت‌های رهایی‌بخش و مبارزه با استکبار جهانی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی است، اما تحقق و تأمین این اهداف باید با رعایت مصلحت اسلام و مسلمانان صورت پذیرد، در قندر هم‌هی این مصالح نیز حفظ موجودیت نظام جمهوری اسلامی قرار دارد، زیرا، مهمترین هدف و آرمان انقلاب اسلامی، ایجاد حکومت اسلامی در ایران بوده است.

بنابراین، بر خلاف آرمان‌گرایی در این گفتمان آرمان‌های فراملی انقلاب از جمله صدور فیزیکی انقلاب جزو اهداف استراتژیک انقلاب است که باید به صورت تدریجی در بلند مدت تحقق یابد، هم‌چنین مصلحت‌گرایی، حداقل در کوتاه مدت، رویکردی حفظ‌محور و تدافعی به اهداف اسلامی انقلاب، به ویژه صدور انقلاب اسلامی داشت، فراتر از این، از منظر مصلحت‌گرایی، صدور انقلاب باید به صورت مسالمت‌آمیز و بدون به کارگیری زور و پی‌گیری و تأمین شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

دیدگاهی که هدف اصلی را حفظ و تثبیت قدرت و نظام اسلامی در چارچوب مرزهای ایران پیشنهاد می‌کردند و صدور انقلاب را به منظور حفظ مصالح نظام در مکانیسم امور فرهنگی توجیه و تبیین می‌کردند (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۷۷).

### صدور انقلاب در گفتمان سازندگی

پس از پایان جنگ عراق علیه ایران، دوره‌ی جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید، که از آن به عنوان دوران سازندگی یاد می‌شود. سیاست خارجی ج.ا.ایران در این دوره در عین استمرار، دستخوش تغییر و تحول گردید، پایان جنگ هشت ساله، یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده‌ی تحول سیاست خارجی ج.ا.ایران به شمار می‌رود، خاتمه‌ی جنگ سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داد و الگوی رفتاری آن را متحول ساخت. (مسعودی، ۱۳۸۹: ۷۰) پایان یافتن جنگ، لزوم توجه جلدی به ساختن ویرانی‌های ناشی از آن و رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه‌نخبگان تصمیم‌ساز را بر آن داشت تا با رویکردی درون‌نگر و با تأکید بر توسعه اقتصادی و معیشتی در پی ارائه مدلی نمونه از انقلاب اسلامی برآیند (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۷۸). در این دوره که به علت اولویت‌بازسازی اقتصادی کشور به دوران سازندگی مشهور شد، در عین حفظ اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جهت‌گیری و تاکتیک‌های آن دست‌خوش تغییر و تحول شد، مفهوم صدور انقلاب در دوران سازندگی، همانند نیمه‌ی دوم دوره‌ی دفاع مقدس، به معنای تبیین و ترویج آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی از طریق معرفی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، در دوره‌ی سازندگی مفهوم صدور انقلاب اسلامی به معنای معرفی جمهوری اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام مورد تأکید بیشتری قرار می‌گیرد، در حقیقت، اعتقاد بر این است که بهترین شیوه‌ی صدور انقلاب، معرفی عمل جمهوری اسلامی ایران است. با این وجود آگاهی بخشی و رهایی بخشی نیز در این معنا و مفهوم از صدور انقلاب مستقر است اما با این تفاوت که آگاهی بخشی و رهایی بخشی به معنای ایجاد انقلاب مشابه در سایر جوامع نیست، بلکه به معنای

ارائه یک الگوی عملی از جمهوری اسلامی می‌باشد، که از طریق شناخت آن به وضعیت موجود و شرایط مطلوب خودآگاهی می‌یابد. (دهقانی فیروزآبادی و دادفر، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

در چارچوب انقلاب مستقر و صدور مسالمت آمیز انقلاب، الگوسازی از جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام که از نیمه‌ی دوم دوره جنگ شروع شده بود استمرار یافت یعنی تلاش برای تثبیت و تحکیم ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت سرمشق در جهان اسلام و فراتر آن در جهان سوم، این الگو مستلزم ایجاد و استقرار یک دولت نمونه‌ی اسلامی در ایران و سپس تبیین و ترویج آن برای سایر مسلمانان و مستضعفان است، مهمترین ویژگی جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت سرمشق اسلامی، توسعه یافتگی اقتصادی آن است، بنابراین الگوی صدور انقلاب اسلامی در این دوره ایجاد یک «دولت اسلامی توسعه یافته اقتصادی» در قالب جمهوری اسلامی ایران و ارائه‌ی آن به ملل مسلمان و مستضعف است. زیرا، رهبران جمهوری اسلامی ایران بر این باورند که جمهوری اسلامی که ماهیتی اسلامی دارد اگر بتواند کارآمدی اقتصادی و توسعه یافتگی خود را نیز به صورت موفق ثابت کند، جوامع اسلامی و غیر اسلامی از آن الگوبرداری خواهند کرد. چون اگر جمهوری اسلامی ایران موفق شود از طریق بازسازی و نوسازی اقتصادی کشور به رشد و توسعه اقتصادی لازم دست یابد، کارآمدی الگوی حکومتی مبتنی بر اسلام در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان معاصر در عمل ثابت می‌شود، این موفقیت و کارآمدی مسلمانان و مستضعفان را به الگوبرداری از این مدل حکومتی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی تشویق و ترغیب می‌کند.

ارائه‌ی الگوی دولت توسعه یافته اقتصادی از جمهوری اسلامی ایران همه اهداف مستقیم و غیرمستقیم صدور انقلاب اسلامی را تأمین می‌کند، اولاً استقرار و تثبیت یک دولت توسعه یافته اقتصادی در قالب جمهوری اسلامی ایران، بهترین گواه بر کارآمدی الگوی حکومتی اسلام و ارزش‌های اسلامی در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی است. ثانیاً گسترش الگوی توسعه‌ی اقتصادی ایران در سطوح منطقه‌ای و جهانی موجب تأمین و تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

برای نمونه رهبر انقلاب بیان می‌دارد:

وقتی ملت‌ها، تجربه‌ی موفق جمهوری اسلامی را دیدند قهراً از آن درس می‌گیرند، موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی، انقلاب را می‌بینند، عزت ایران و اسلام را مشاهده می‌کنند. آن گاه از آن درس می‌گیرند. بنابراین، احتیاج به صدور نیست، دولت ایران بداند امروز بزرگ‌ترین تلاش و جهاد این است که ایران اسلامی آباد و ساخته شود

و برکاتش آشکار گردد. زندگی در این کشور مایه رشک ملت‌های دیگر شود و از آن درس گیرند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

آقای هاشمی رفسنجانی در رابطی با صدور انقلاب می‌گوید:

آنها که تصور می‌کنند ما از طریق جنگ و تجاوز انقلابمان را صادر می‌کنیم در اشتباه هستند، بلکه چنان چه ما تحت شرایط موجود بتوانیم یک نوعی از توسعه متناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارائه دهیم، مدلی از توسعه، پیشرفت، تکامل و معنویات اسلامی به جهان امروز ارائه دهیم، آن گاه ما در آن چه که دنیا از آن وحشت دارد و آن صدور انقلاب اسلامی است توفیق یافته‌ایم.

هاشمی رفسنجانی معتقد است که «جهان به اشتباه فکر می‌کند که ما می‌خواهیم انقلابمان را با حمله به کشورهای دیگر از طریق جنگ و اقدامات نظامی صادر کنیم» وی می‌افزاید:

ما اگر اکنون (اوضاع پس از جنگ) از عهده‌ی ایجاد نوع قابل قبولی از جامعه برآئیم و مدلی مناسب از توسعه، پیشرفت و تکامل و اخلاقیات صحیح اسلامی برای جهان بوجود بیاوریم، به آن چه جهان از آن می‌ترسد یعنی صدور انقلاب اسلامی نائل خواهیم شد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۶۹).

رئیس جمهور رفسنجانی در رابطه با صدور انقلاب اظهار کرد: «منظور ما از صدور انقلاب این است که ما انقلاب خود را به جهان عرضه می‌کنیم و هر کسی مایل بود می‌تواند از این تجربه استفاده کند» (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۲) در جایی دیگر هاشمی رفسنجانی در تبیین صدور انقلاب اظهار کردند که: «صدور انقلاب یعنی صدور اندیشه‌ی انقلاب، نه دخالت در امور دیگران، صدور اندیشه هم چیزی نیست که بشود با سرباز جلوی آن را گرفت، اندیشه از لیزر هم قوی‌تر است» (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۸۹)

می‌توان گفت که دیدگاه غالب در دوران سازندگی نسبت به صدور انقلاب دیدگاهی درون‌نگر است که در آن بر ساختن جامعه‌ای الگو و نمونه از نظر اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است؛ یعنی الگویی که خود به خود مورد استقبال دیگران قرار گیرد. (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۷۹)

### صدور انقلاب در گفتمان اصلاحات

با انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری اسلامی ایران در خرداد ۱۳۷۶، دوره‌ی نوینی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی آغاز گردید، در این دوره که به علت طرح و برنامه‌های اصلاحی رئیس جمهور به دوران اصلاحات مشهور شد، سیاست خارجی ایران در عین تداوم، دستخوش تغییرات رفتاری شگرفی شد. (مسعودی، ۱۳۸۹: ۷۷)

دورانی آغاز شد که در پی آن بود تا با طرح شعار جامعه‌ی مدنی در داخل، زمینه‌ی تحقق الگویی از انقلاب را فراهم آورد و در سیاست خارجی هم با طرح تنش‌زدایی و گفت و گوی تمدن‌ها در پی ارائه‌ی چهره‌ای مثبت و مسالمت‌آمیز از ایران نزد جهانیان برآمد. سیاست تنش‌زدایی خاتمی ترس برخی همسایگان را از صدور انقلاب ایران کم کرد و تفاهم بیشتر جایگزین آن شد. (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۷۹)

الگوپردازی سوم از جمهوری اسلامی به عنوان دولت سرمشق به صورت ارائه یک نظام مردم‌سالار دینی تحقق می‌یابد، در این مدل حکومتی بیش از پیشرفت اقتصادی بر توسعه‌ی سیاسی - اجتماعی تأکید می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

در دوران اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) سیاست خارجی جمهوری اسلامی وارد مرحله‌ی نوینی شد که از نظر جهت‌گیری و تاکتیکی از دوره‌های قبل و بعد از آن متفاوت و متمایز است، تأمل و دقت در سخنان و اظهارات تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رفتارها و عملکرد خارجی ایران در این دوره مبین این واقعیت است که صدور انقلاب اسلامی، معنا و مفهوم نوینی دارد، معنا و مفهومی که حتی از دوره قبل نیز متفاوت است، صدور انقلاب در دوره‌ی اصلاحات به معنای تبیین عقاید و باورهای انقلابی به صورت توضیح و تشریح آرمان‌ها، آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی است به طوری که جمهوری اسلامی بیش از آگاهی بخشی، رهایی بخشی، انقلاب مستمر و حتی ترویج و اشاعه ارزش‌های انقلاب اسلامی، درصدد تبیین و تشریح اصول مبانی و آرمان‌های آن برای سایر ملت‌ها و کشورهاست، در این معنا و مفهوم تبیینی از صدور انقلاب نیز بیشتر بر ماهیت و مبنای مردم‌سالارانه و آزادی خواهانه انقلاب اسلامی و جمهوریت نظام جمهوری اسلامی تأکید و تمرکز می‌شود (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

از دیدگاه گفتمان اصلاحات، صدور انقلاب ماهیتی نرم‌افزاری و بین‌الذهانی دارد نه سخت‌افزاری و فیزیکی، آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که در قالب عدالت خواهی، آزادی طلبی، مردم‌سالاری، صلح طلبی و ... تجلی و نمود پیدا می‌کنند نیازی به صدور فیزیکی ندارند بلکه این ارزش‌ها اگر در چارچوب مردم‌سالاری دینی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی غایت و فضیلت یابند به طور طبیعی در عصر گفت و گوی تمدن‌ها آزادانه از سوی ملل دیگر مورد پذیرش قرار می‌گیرند (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۴).

رئیس‌جمهور وقت، الگوسازی از جمهوری اسلامی ایران را بهترین روش و الگوی صدور انقلاب معرفی می‌کند، چون به نظر وی منظور بنیان‌گذار جمهوری اسلامی از صدور انقلاب نیز، الگوسازی بوده است. از این رو تصریح می‌کند که:

منظور امام این بود که ما این جا الگو بسازیم، یعنی انسان ببیند که در این جامعه،

اقتصاد و علم و حرمت انسان‌ها خوب است و سیر جامعه به سمت رفع فاصله طبقاتی و ایجاد رفاه نسبی و بهبود اوضاع و احوال در همه‌ی مسائل است و این مهمترین راه صدور انقلاب بود. (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

ویژگی‌های خرده‌گفتمان صدور انقلاب در دوران خاتمی به شرح زیر می‌باشد:  
الف) صدور انقلاب در گفتمان عمل‌گرایی فرهنگی - سیاسی نه تنها منسوخ نشده بلکه باز تولید و باز تعریف شده است.

ب) صدور انقلاب بر اساس تقاضاهای دیگران و عرضه جمهوری اسلامی تعریف می‌شود.

ج) انقلاب به صورت مسالمت‌آمیز و از طریق مفاهمه و گفت و گوی بین‌الذہانی بر مبنای عقلانیت ارتباطی صادر می‌شود.

د) صدور انقلاب ماهیتی الگوسازانه و مدل پردازانه دارد و از سرشتی آزاد و داوطلبانه برخوردار است.

ه) صدور انقلاب طبیعتی نرم‌افزاری دارد و نه سخت‌افزاری  
و) صدور انقلاب به معنای ارائه‌ی یک الگوی مردم‌سالاری دینی با اصول سیاست خارجی مانند تنش‌زدایی، همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام متقابل سازگاری دارد (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۴).

### صدور انقلاب در گفتمان اصول‌گرایی

پس از انتخابات نهمین دوره‌ی ریاست جمهوری، اصول‌گرایی عدالت محور بر سیاست خارجی حاکم گردید. در این دوران ایران در سیاست داخلی و خارجی خود درصدد احیاء ارزش‌ها و آرمان‌های صدر انقلاب برآمد، آن چه که گفتمان اصول‌گرایی را از مرحله‌ی سوم و چهارم سیاست خارجی، متمایز می‌کند، اولویت اهداف ایدئولوژیک و تغییر در نظم جهانی، در سلسله مراتب اهداف سیاست خارجی ایران است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۲۹). با پیروزی آقای احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و طرح شعارهایی مانند عدالت طلبی و تأکید بر ارزش‌های انقلاب از سوی ایشان، به نوعی بازگشت به گفتمان ارزش محور دهه‌ی اول انقلاب بود که با ناعادلانه خواندن مدیریت بین‌المللی خواستار تغییر در ساختار مدیریت بین‌الملل و توجه بیشتر به ملت‌های محروم و مظلوم است (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۸۱) گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با به قدرت رسیدن اصول‌گرایان، دستخوش تغییر و تحول شد؛ به گونه‌ای که گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار جای خود را به گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور داد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

الگوی صدور انقلاب اسلامی در دوران اصول‌گرایی همچنان مسالمت‌آمیز باقی می‌ماند. فراتر از این، الگوی صدور انقلاب مانند دوران سازندگی و اصلاحات، ماهیتی الگوپردازانه و مدل‌سازانه دارد؛ به گونه‌ای که دولت اصول‌گرا تلاش می‌کند تا از طریق الگوسازی از جمهوری اسلامی و معرفی این الگو به جهانیان، به ویژه مسلمانان و مستضعفان، انقلاب اسلامی را صادر کند. احمدی‌نژاد با صراحت در مورد این الگو بیان می‌دارد:

دو مسئولیت سنگین بر عهده‌ی ملت ایران است، مسئولیت اول، همانا ساختن ایران است. پیام مکتب و آرمان‌های یک انقلاب زمانی مورد استقبال قرار می‌گیرد که با الگوهای عملی همراه باشد و از این رو، سوق دادن بشریت به سمت قله‌ی کمال و حیات طیبه لازم است و باید الگویی از آن در جامعه‌ی اسلامی ایجاد کنیم و مأموریت دوم، معرفی انقلاب اسلامی به جهان بشریت است ... باید این مکتب و الگو را تبیین و به ملت‌های تشنه‌ی دنیا معرفی کنیم.

صدور انقلاب اسلامی در دوران اصول‌گرایی، در چارچوب نظریه‌ی انقلاب مستقر، به صورت تبیین و ترویج افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی از راه آگاهی بخشی و رهایی بخشی ملت‌های مسلمان و مستضعف جهان تعریف می‌شود، مفهوم صدور انقلاب به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی است که متضمن آگاهی بخشی و رهایی بخشی دیگران نیز می‌باشد، گفتمانی که می‌تواند الهام بخش سایر ملت‌ها برای آزادی و رهایی از ساختارهای سلطه و سرکوب در سطوح داخلی و خارجی قرار گیرد. چون ملت‌های مسلمان و مستضعف از راه درک و شناخت دقیق و حقایق گفتمان انقلاب اسلامی به شرایط موجود داخلی و بین‌المللی و وضعیت مطلوب در این دو سطح، آگاهی می‌یابند. نتیجه‌ی عملی این خودآگاهی نیز تلاش برای عملی ساختن این گفتمان است که رهایی آنان را از ساختارهای سلطه و سرکوب مهیا می‌کند. (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۹۰)

الگوی صدور انقلاب در دوران اصول‌گرایی در چارچوب نظریه‌ی ام‌القرای اسلامی تعریف و تعیین می‌شود، این امر بدان معناست که الگوی صدور انقلاب در این دوره نیز بر پایه‌ی شیوه‌ی انقلاب مستقر ماهیتی مسالمت‌آمیز، الگوپردازانه، فرهنگی و گفتمانی دارد. اما در این دوره، بر رهبری ام‌القرای در جهان اسلام و رسالت جهانی آن تأکید و تمرکز می‌شود، چون موقعیت و مرکزیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای گرچه مستلزم حفظ بقاء آن است، اما بقاء آن نامی رسالت و مسئولیت فراملی آن نسبت به سایر مسلمانان و مستضعفان نیست. به عبارت دیگر، تثبیت و تحکیم انقلاب اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران به معنای فراموشی و غفلت از رسالت جهانی و انسانی انقلاب اسلامی نمی‌باشد. بلکه برعکس، تقویت جمهوری اسلامی



تکلیف و وظیفه‌ی آن در قبال سایر ملت‌ها و انسان‌ها را افزایش می‌دهد، از این رو، الگوی صدور انقلاب ماهیتی برون‌گرا می‌یابد که معطوف به محیط پیرامونی و بیرونی جمهوری اسلامی است.

به طور کلی، مهمترین ارزشی که جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت اسلامی واجد، حافظ و مروج آن است، عدالت است؛ عدالت در برگیرنده و متضمن سایر ارزش‌ها و فضائل انسانی و اجتماعی نیز است بنابراین، دولتی که به عنوان الگو در داخل باید ایجاد گردد و الهام بخش دیگران باشد، «حکومت عدل اسلامی» است.

### نتیجه گیری

تحت تأثیر انقلاب اسلامی، حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان جان تازه‌ای گرفتند و شدت و گسترش آن‌ها آن قدر فزونی یافت که خطر کمونیسم برای غرب و آمریکا را تحت الشعاع قرار داد، بر همین مبنا، استراتژیست‌های غربی با عنوان کردن خطر بنیادگرایی اسلامی نشأت گرفته از انقلاب، ایران را به عنوان مهمترین بلکه تنها تهدید جدی علیه ثبات و توازن موجود به نفع غرب تلقی کردند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، و در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است؛ به گونه‌ای که صدور انقلاب به صورت یک اصل و هدف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی درآمده است. با وجود این، صدور انقلاب در دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران معنا و مفهوم مختلفی یافته و از الگوها و ابزارهای متفاوتی سود برده است؛ به طوری که می‌توان از الگوهای مختلف صدور انقلاب اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی سخن گفت.

در کلیه‌ی الگوهای صدور انقلاب، حمایت از نهضت‌های آزادیبخش اسلامی، به ویژه مردم فلسطین، یکی از ابزارهای اشاعه الگوهای انقلاب اسلامی بوده است، اما با توجه به گفتمان حاکم و الگوی مورد نظر، معنا و مداول آن متفاوت بوده است و در پیوستاری از حمایت مادی در قالب آموزش نظامی و کمک نظامی تا حمایت معنوی و غیر مادی از آموزش‌ها، ایدئولوژیک تا حمایت‌های دیپلماتیک در سازمان‌های بین‌المللی گسترده‌گی داشته است.

## منابع

- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه‌ی امام (۲۱جلدی)، انتشارات: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، تهران: نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۰)، دولت موقت، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- اشرافی، مرتضی (۱۳۹۰)، تحول گفتمان توسعه در جمهوری اسلامی ایران، محل نشر قم.
- تاجیک، محمدرضا و جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲)، الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران، نشریه‌ی راهبرد، شماره‌ی ۲۷.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲)، انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف.
- خلیلی، محسن و سمیه حمیدی (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی، فصلنامه‌ی رهیافت‌های علوم سیاسی و بین‌المللی.
- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۹۲)، حرکت‌های اسلامی معاصر، قم: انتشارات بودستان کتاب.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸)، تحول الگوی صدور انقلاب، فصلنامه‌ی رهیافت انقلاب اسلامی، شماره‌ی ۱۱.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۹)، الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸)، الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، فصلنامه‌ی دانش سیاسی، شماره‌ی ۱.
- دهقانی، سید جلال (۱۳۸۶)، گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد، دو فصلنامه‌ی دانش سیاسی، شماره ۵.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶)، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۶)، آرمان‌گرایی ایدئولوژیک و منافع ملی در رویکرد ایران به مسئله‌ی فلسطین (مجموعه مقالات فلسطین با نگاه ایرانی)، انتشارات: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی دینی.

- مسعودی، نجمه (۱۳۸۹)، بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس نظریه ی سازه انگاری (۱۳۷۶-۱۳۸۸)، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۳)، بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام، مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، شماره ی ۶۳.
- نوازنی، بهرام (۱۳۸۸)، صدور انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران: انتشارات پژوهشکده ی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- یزدانی، عنایت‌الله و جمیل خجسته (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳.
- یعقوبی، سعید (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.